



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره‌مفیدی

تاریخ: ۸ مهر ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۲ ذی‌القعدة ۱۴۳۳

جلسه: ۱

موضوع کلی: تحریف در قرآن

موضوع جزئی: مقدمه

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تحریف در قرآن:

یکی از بحث‌هایی که از مباحث مقدماتی قرآن و از علوم قرآن محسوب می‌شود و بحث مهمی هم هست بحث پیرامون شبهه تحریف در قرآن است. مسئله تحریف و دفع این شبهه از ساحت شیعه مخصوصاً از آن جهت اهمیت دارد که این مسئله به عنوان حربه‌ای مهم در دست بعضی از معاندین با مکتب اهل بیت (ع) قرار گرفته و همیشه از این مسئله به عنوان یکی از امتیازات شیعه و عقاید خاصه شیعه یاد می‌کنند و با ادله قطعی و صریحی که در این رابطه وارد شده سعی می‌کنند که شیعه و علماء شیعه را محکوم کنند. عمده‌ترین مستند اتهام زندگان به تشیع نظر بعضی از علماء شیعه و برخی روایات در این رابطه است که لازم است قبل از ورود به اصل بحث و بررسی ادله قائلین و منکرین به این مطلب اشاره‌ای داشته باشیم.

مقدمه:

اصل اعتقاد به تحریف قرآن، البته تحریف به نقیصه نه زیاده از قدیم الایام در بین بعضی از افراطیون شیعه و غالیان مطرح بوده تا جایی که ابوالحسن اشعری (م. ۳۲۴ ه.ق) در این باره می‌گوید: شیعه بر دو دسته‌اند: یک عده کوتاه‌بین و ظاهرین و فاقد اندیشه و نظر و رأی عمیق هستند که قائل به تحریف در جهت نقص بعضی کلمات قرآن بوده به دلیل برخی روایات که فاقد اعتبار و ارزش بوده است. دسته دوم کسانی هستند که نه به زیاده و نه به نقیصه قائل به تحریف نیستند و این دسته اهل نظر و عمق و دقت می‌باشند. نفس این کلام حاکی از آن است که از همان زمان شبهه تحریف در بین بعضی از افراد سطحی و افراطیون از شیعه مطرح بوده است اما باز در همان ایام بین محدثین شیعه مثل شیخ صدوق و کلینی عقیده تحریف وجود ندارد گر چه حاجی نوری در کتاب فصل الخطاب تلاش می‌کند عقیده تحریف قرآن را به مرحوم کلینی هم نسبت دهد به خاطر ذکر بعضی از روایاتی که در این رابطه وارد شده اما حقیقت مطلب آن است که مرحوم کلینی قائل به تحریف نبوده است، ممکن است از ذکر بعضی از روایات در جوامع روایی محمدون ثلاث شائبه تمایل به پذیرش تحریف در قرآن استفاده شود اما در بین مؤلفین کتب اربعه شیخ طوسی از کسانی است که صریحاً منکر مسئله تحریف در قرآن است. به‌رحال هسته‌های اولیه این شبهه در همان قرون اولیه بعد از اسلام در بین شیعه و یا حتی بعضی از فرقه‌های اهل سنت وجود داشته اما در قرون میانی تا زمان ظهور اخباری‌ها شاید این مسئله کم‌تر مطرح شده اما از زمان اخباری‌ها به بعد دوباره این مسئله مطرح شده و اولین کسی که به طور رسمی روایاتی را در رابطه با تحریف قرآن جمع کرد و کتابی در این موضوع نوشت

سید نعمت‌الله جزائری (م. ۱۱۱۲ ه.ق) است که در کتابی به نام منبع الحیة ادعای تحریف قرآن می‌کند و بر آن اقامه دلیل می‌نماید و بعد از او مرحوم حاجی نوری (م. ۱۳۲۰ ه.ق) کتاب فصل الخطاب را به همین منظور و برای اثبات تحریف در قرآن به رشته تحریر در آورد و روایاتی را در این کتاب جمع‌آوری کرده، حاجی نوری ادعا می‌کند روایات مستفیضه و متواتره بر تحریف قرآن وجود دارد. این کتاب را حاجی نوری در سال ۱۲۹۲ ه.ق یعنی حدود ۱۴۰ سال قبل نوشته که بعد از حدود شش سال این کتاب چاپ شد و اکنون یکی از مهم‌ترین منابع برای اتهام به شیعه همین کتاب است. وقتی این کتاب چاپ شد در حوزه‌های علمیه شیعه و در بین بزرگان شیعه و جهان اسلام جنجالی به پا شد. همان موقع در خود حوزه‌های علمیه شیعه موضع‌گیری‌های شدیدی علیه این کتاب صورت گرفت و از آن زمان کتاب‌های زیادی در رد کتاب فصل الخطاب حاجی نوری نوشته شده و حتی با اینکه این کتاب منتشر شد و آثار سوئی هم داشته اما در عین حال در بین منصفین از محققین و علماء اهل سنت تلاش شده که این اتهام را از شیعه دفع کنند و می‌گویند این جزء عقاید شیعه نیست، اینکه یک شخصی از بین علماء شیعه چنین عقیده‌ای داشته دلیل بر این نمی‌شود که عقیده آن شخص از امتیازات و عقاید مذهب شیعه محسوب شود لکن سلفی‌ها و وهابی‌ها و اتباع و پیروان آنها تلاش می‌کنند که بگویند تحریف در قرآن از امتیازات و عقاید خاصه شیعه است. به هر حال همان گونه که در خود عالم تشیع و حوزه‌های علمیه تلاش‌های جدی برای دفع این اتهام و شبهه صورت گرفته در بین خود علماء اهل سنت هم این اتفاق افتاده است.

حاجی نوری در کتاب فصل الخطاب یک مقدمه، دوازده فصل و یک خاتمه بیان کرده است. در مقدمه اول روایات مربوط به جمع و تألیف قرآن را جمع‌آوری کرده است و ادعا می‌کند نحوه جمع و تألیف قرآن با سایر کتب فرق دارد. در مقدمه دوم انواع تحریف را ذکر می‌کند و می‌گوید بعضی از انواع تحریف ممتنع است اما بعضی از اقسام تحریف ممکن است. در مقدمه سوم هم به بررسی سخنان بزرگان در این رابطه پرداخته است.

عمده مباحث کتاب در فصول دوازده‌گانه این کتاب است که به بیان دلایل تحریف می‌پردازد که ما در ادامه مباحث این ادله را مورد بررسی قرار خواهیم داد که ایشان و دیگر اشخاصی که قائل به تحریف قرآن هستند چه دلیلی بر مدعای خود دارند ولی عمده ادله در ضمن این دوازده فصل بیان شده است. در خاتمه هم به بررسی ادله منکرین تحریف می‌پردازد و آنها را مورد اشکال قرار می‌دهد یعنی با توجه به مطالبی که در اثبات تحریف بیان کرده به دفع شبهات منکرین تحریف پرداخته است و در واقع تکرار همان ادله است که در قالب پاسخ به شبهه عدم تحریف بیان کرده است. این کتاب از مهم‌ترین و آخرین کتبی است که در رابطه با تحریف قرآن نوشته شده است و آثار بسیار سوئی داشته و تا الآن هم این آثار وجود دارد. البته چاپ این کتاب ممنوع شده است. در کفایه الاصول هم از لابلای کلمات مرحوم آخوند تمایل ایشان به نظریه تحریف قرآن استفاده می‌شود.

معنای تحریف:

تحریف یک معنای لغوی دارد و یک معنای اصطلاحی.

معنای لغوی تحریف:

تحریف از ریشه حرف به معنای کناره و حاشیه است. در آیه شریفه «و من الناس من یعبد الله علی حرف»^۱ خداوند می-فرماید: در بین مردم گروهی هستند که خداوند را در حاشیه و کناره می‌پرستند. برای اینکه این معنی روشن شود مثالی را بیان می‌کنیم و آن اینکه در میدان جنگ بعضی در متن جنگ هستند و بعضی کنار می‌ایستند، کسانی که در کنار می‌ایستند در واقع به دنبال این هستند که اگر لشکر پیروز شد خودشان را همراه لشکر و سهیم در پیروزی نشان دهند و هنگام تقسیم غنائم از غنیمت‌ها بهره ببرند و اگر هم لشکر شکست خورد خود را از آن گوشه و کناره از میدان نبرد خارج کنند و بگویند ما در جنگ شرکت نداشتیم. عبادت خداوند هم همین گونه است یعنی عده‌ای هستند که خداوند را در حاشیه می‌پرستند که اگر خیری به آنها برسد اطمینان پیدا می‌کنند و به خدا مؤمن می‌شوند اما اگر ناگواری و امتحانی برای آنها پیش آید منقلب شده و به خدا کافر می‌شوند که این حاکی از ضعف ایمان است. پس این آیه شریفه بر معنای لغوی تحریف دلالت می‌کند.

تحریف کلام یعنی کنار زدن کلام از معنای حقیقی و مراد واقعی خودش و به حاشیه راندن آن یعنی کلامی را بر خلاف ظاهرش معنا و تفسیر کردن. در آیه شریفه «یحرفون الکلم عن موضعه»^۲ می‌فرماید: کلام را از مواضع خودش تحریف کردند. موضع کلام همان معانی الفاظ و مقصود گوینده و ظاهر کلام متکلم است و اگر کسی لفظ را از معنای خودش جدا کند و معنای دیگری برای آن بیان کند در حقیقت منحرف شده است یعنی به کناره و حاشیه رفته و از متن اصلی خارج شده لذا در مورد این آیه بعضی مثل مرحوم طبرسی می‌گویند: یحرفون الکلم عن موضعه ای یفسرونه علی غیر ما انزل و هو سوء التأویل یعنی کلام را بر غیر آنچه که خداوند متعال اراده کرده تفسیر می‌کنند و این بد تأویل کردن است. پس معنای لغوی تحریف معلوم شد و در قرآن هم تحریف در معنای لغوی خودش استعمال شده که در واقع همان تحریف معنوی است اما تحریف در اصطلاح به معانی مختلفی استعمال شده و مصادیق مختلفی برای آن بیان شده که انشاء الله در جلسه آینده به معنای اصطلاحی تحریف اشاره خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. حج/۱۱.
۲. مائده/۱۳ - نساء/۴۶.